

وجب کردن مراکز خرید با پاهای نسل سوم

پرسه زدن در پاساژها پدیده‌ای است نوظهور که حسابی در دل جوان‌های امروزی جا باز کرده و با افزایش تعداد این اماکن تجاری، سیر صعودی نیز دارد. بررسی چرایی و چگونگی این پدیده اجتماعی را در دستور کار قرار دادیم تا ببینیم نسل سوم‌ها در این میان چه کاره‌اند؟



پاساژگردی، تفریح یا تفریح‌نمایی؟

وجب کردن مراکز خرید با پاهای نسل سوم

جام جم آنلاین: پرسه زدن در پاساژها پدیده‌ای است نوظهور که حسابی در دل جوان‌های امروزی جا باز کرده و با افزایش تعداد این اماکن تجاری، سیر صعودی نیز دارد. بررسی چرایی و چگونگی این پدیده اجتماعی را در دستور کار قرار دادیم تا ببینیم نسل سوم‌ها در این میان چه کاره‌اند؟

روی پیشانی نسل ما با نئون مهر زده‌اند: نسل تا لنگ ظهر خواب، با مطالعه قهر، غرق شده در اینترنت، کشته و مرده بازی‌های رایانه‌ای و بین همه اتیکت‌هایی که به حق یا ناروا به نسل سوم‌ها سنجاق می‌کنند، افتخار اختراع «پاساژگردی» به عنوان کم‌هزینه‌ترین تفریح بعد از خندیدن به ترك دیوار، شش‌دانگ به پای نسل ما نوشته شده است؛ تفریحی که بازارش به موازات وصله شدن مراکز خرید و پاساژها به عنوان مویرگ‌های اقتصادی بر پیکره شهر، داغ و داغ‌تر و لشکر جوانانی که نیت می‌کنند پاساژها را وجب کنند، هر روز پروپیمان‌تر می‌شود. زرق و برق پاساژها، مثلث برموداست که خیلی از نسل سوم‌ها را به هوای ساعتی خوشگذرانی مجانی و اوقات فراغتی که هیچ نقشه‌ای برای گذارنش ندارند به سمت خود جذب می‌کند. يك جفت پای سالم، مایه پاساژگردی است که اگر دارید، يك تك‌پا تشریف بیاورید تا با این گزارش، ته و توی ماجرا را در بیاوریم که چرا کسر بزرگی از جوان‌های امروزی بخشی از اوقات فراغت روزانه یا دست‌کم هفتگی‌شان را در بست برای پرسه‌زدن در مراکز خرید کنار گذاشته‌اند و دلایل عده‌ای از نسل سوم‌ها که دور این پدیده نوپا خط قرمز کشیده‌اند، چیست.

گوش جوان از نوع امروزی‌اش، پر است از «وا اسفا» و «فغان» بزرگ‌ترها که تا فرصتی گیرشان می‌آید، هدرش نمی‌دهند و در مذمت پرسه‌زدن در پاساژها و مراکز خرید، کوتاهی نمی‌کنند و با نصیحت‌هایی که همیشه در آستین دارند، می‌خواهند راه مستقیم گذران اوقات فراغت را به جوان‌ها نشان دهند، اما جوان است و خاصیت حرف نشنو بودن! و این که بالاخره برای هر کاری دلیلی می‌تراشد. برای پاساژگردی هم چه دلیلی محکم‌تر از این که این تفریح، با جیب خالی سرناسازگاری ندارد. قدرترین توجیه پرسه زدن در پاساژها آنقدر غیرقابل انکار است که حتی مخالفان این پدیده هم آن را چشم بسته می‌پذیرند. البته جوان‌هایی که پاساژگردهای تمام‌عیار محسوب می‌شوند، دلیل دیگری را هم چاشنی قضیه می‌کنند تا پای استدلالشان به هیچ وجه نلنگد. «علی آژیر»، 23 ساله جواب دندان‌شکنی برای این که گشت‌وگذار در پارک‌ها هم يك تفریح بدون خرج و سالم است، اما در رقابت با پاساژگردی، به گرد پای آن هم نمی‌رسد، ارائه می‌دهد: «محیط پاساژها به دلیل محصور بودن، سالم‌تر از پارک‌هاست. این به آن در که هوای پارک‌ها به دلیل همین محصور نبودن از هوای پاساژها سالم‌تر و بهتر است!«.

هوای جیب‌ها ابری است

بالاخره هر چه نباشد قشر وسیعی از هم‌نسلان ما، مالک يك جفت پای سالم، جیب‌های خالی، يك سیر دل‌خوش و يك عالم فراغت برنامه‌ریزی نشده هستند که همه اینها راه را برای باز شدن پای پاساژگردی به زندگی‌شان هموار می‌کند. معمولا يك پاساژ خاص، به دلایلی از جمله نزدیک بودن به محل سکونت یا مرکزیت داشتن، به پاتوق يك عده خاص تبدیل می‌شود که یا همان‌جا رفیق گرمابه و گلستان می‌شوند یا از قبل رفیق گرمابه و گلستان بوده‌اند و جبر زمانه، هر کدام را پرتاب کرده بوده به يك گوشه دنیا که البته به لطف پدیده جوان‌پسند پاساژگردی، مرکز خرید، جایی می‌شود برای گپ و گفت درباره قدیم‌ها و خاطرات مشترک یا ساختن خاطره‌های ترش و شیرین و چه دلیلی شیرین‌تر از مستحکم‌تر کردن حلقه دوستی؟

معرفی گرانفروش در 3 سوت

این درست که يك پاساژگرد، موجودی است کاملاً شبیه انسان‌های دیگر منتهی برای اوقات فراغتش خوراکی بهتر از متر کردن پاساژها پیدا نکرده، اما این دلیل نمی‌شود که مغزش فقط روی وجب کردن پاساژ متمرکز باشد و اجازه ندهد چشم‌هایش برچسب‌های قیمت اجناس را ببینند. شك نکنید هیچ کس بهتر از فردی که روزانه دست‌کم يك ساعت از وقت بی‌زبان‌ش را در فلان و بهمان مرکز خرید می‌گذراند، نمی‌تواند درباره قیمت‌ها نظریه کارشناسی ارائه بدهد. پاساژگردها ضمن محاسبه مترآژ پاساژها، به دلیل گشتن در مراکز مختلف خرید این قابلیت را به دست می‌آورند که مثل برق و باد، قیمت‌ها را مقایسه کنند و بعد از مدتی «گرانفروش‌شناس

سرخود» می‌شوند. برای اطمینان از این که این گفته شوخی نیست، کافی است از يك پاساژگرد حرفه‌ای بخواهید اسامی گرانفروش‌ترین و منصف‌ترین کاسبان پاتوقش را فهرست کند. فهرست در جيك صدم ثانيه! پيش روی شماست و این نشان می‌دهد که صرف این همه انرژی برای سرک کشیدن در پاساژها، بدون صرفه اقتصادی غیرمستقیم نیست. خیلی از پاساژگردها از این که از آخرین نوسان قیمت‌ها باخبرند، حساسی باد به غیب می‌اندازند.

عقب نیفتادن از اسب دنیای مد

حتی اگر يك پاساژگرد حرفه‌ای، مخالف مد و مدگرایی باشد، ناچار است حین تفریح از آخرین مدل‌ها و مد روز بازدید کند، به هر حال چشم‌پسته که نمی‌شود 200 مرتبه دور يك پاساژ چرخید! پاساژگردها ناخواسته با مد روز آشنا می‌شوند. هرچند بیشتر آنها این موضوع را حسن وقت به این نحو می‌دانند و از این که پیش از همه و بیش از همه جدیدترین مدل لباس و کیف و کفش و... را از 10 فرسخی می‌شناسند، به خودشان می‌بالند.

وقت‌کشی به قیمت بلوتوث بازی

بلوتوث گوشی تلفن همراهتان را روشن کنید و پایتان را در يك مرکز خرید بگذارید. سرانگشتی آمار بگیرید و ببینید چند نفر هستند که با بلوتوث روشن، دور و برتان چرخ می‌زنند. باورتان بشود یا نه يك عده که اتفاقاً تعدادشان هم کم نیست، وقتی را که می‌گویند طلاست، در پاساژها به این دلیل هدر می‌دهند که از همه قابلیت‌های گوشی تلفن همراهشان استفاده کنند. بلوتوث روشن به یکی از تاکتیک‌های پاساژگردها تبدیل شده که آنها را با موجی از فیلم‌ها، عکس‌ها و اطلاعاتی که این وسط بین پاساژگردها رد و بدل می‌شود مواجه می‌کند. آنها دل شیر پیدا کرده‌اند و بی‌خیال و بی‌روس‌هایی که با فایل‌هایی اطلاعاتی خروجی از موبایل غریبه‌ها روی دل و روده سیستم تلفن همراهشان می‌نشیند، برای دلخوشی، از کنار یکدیگر عبور می‌کنند و به رد و بدل کردن فایل‌ها مشغولند تا سوغاتی این پاساژگردی را به خانه هم ببرند.

لای کشیدن، تگ‌چرخ زدن و پرسه در پاساژها ممنوع

بین هم‌نسلان ما عده‌ای هستند که گرچه تعدادشان در مقابل آنهایی که پاساژگردی را رسماً به عنوان يك تفریح پذیرفته‌اند، عدد قابل عرضی نیست ولی نادیده گرفتن آنها و نشنیده گرفتن دلایلشان برای این مخالفت، از انصاف به دور است. الیاس لاجوردی، مجتبی بیات و محمد سیاح هم‌نسل ما هستند، اما در دسته مخالفان سرسخت پاساژگردی سبک گرفته‌اند و این پدیده را شکل دیگری از مردم‌آزاری تعبیر می‌کنند و بی‌برو برگرد می‌گویند که اسم مرکز خرید رویش است: «مرکز خرید» نه مرکز پرسه زدن بی‌هدف آنهایی که يك درصد هم قصد خرید ندارند و انرژی مغازه‌دارها را با قیمت گرفتن و چك و چانه زدن بی‌دلیل و در نهایت پراندن تکه‌های مشتری‌پران مثل این که این چرم، طبیعی نیست یا گرانفروش هستید، هدر می‌دهند و امکان سرویس‌دهی به مشتریان واقعی را دود می‌کنند و به هوا می‌فرستند....

مخالفان می‌گویند که پاساژگردی، هرچند نوعی تفریح بی‌خرج است، هرچند غلظت اطلاعات شخص درباره قیمت‌ها و مدل‌های روز را افزایش می‌دهد و هرچند باعث بالا رفتن آمار دوستان و آشنایان می‌شود، اما مثل لای کشیدن با ماشین و تگ چرخ زدن با موتورسیکلت صورت خوشی ندارد و معامله را به سود مالکان پاساژها تمام می‌کند که از این فرصت سوءاستفاده می‌کنند و اسم شلوغی و بر و بیای داخل مرکز را «پاخورداشتن» می‌گذارند و شیرین، چند میلیون روی قیمت اجاره یا فروش می‌کشند.

قضاوت بابت این که پاساژگردی تفریح است یا تفریح‌نمایی بماند برای شما.

مریم گودرزی مقدم / جام‌جم

وقتی شاخص توسعه یافتگی به چالش کشیده می‌شود

وقتی پاساژگردی و زیر سوال رفتن وضعیت اقتصادی، فرهنگ و میزان رفاه طبقات مختلف جامعه، از يك سو نقش تعیین‌کننده‌ای در نوع و کیفیت تفریحات ایفا می‌کنند. از سوی دیگر عدم برنامه‌ریزی صحیح برای مدیریت اوقات فراغت از سوی متولیان امور جوانان و کمبود مراکز و اماکن تفریحی یا پیش‌بینی نشدن برنامه‌هایی که پتانسیل جذب این قشر از جامعه را داشته باشد، تبعاتی به همراه دارد که مسیر غنی‌سازی اوقات فراغت و ارتقای کیفیت این زمان ارزشمند را تغییر می‌دهد. «پاساژگردی» در کشور ما از دل زندگی مدرن شهری و به سبب همین کمبود اماکن تفریحی و عدم برنامه‌ریزی صحیح بیرون آمد و از حدود يك دهه پیش، رفته‌رفته جای خود را به عنوان يك تفریح بسیار کم‌خرج، غیرخلاقه و خلاصه شده در پرسه زدن در اماکن تجاری میان جوانان باز کرد؛ تفریحی

که جدا از هدر دادن وقت و انرژی مثبتی که می‌تواند صرف تولید شود، زمینه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی را هموار و سبک زندگی جوان امروزی را با اختلال مواجه کرد. برای تفکیک گذران اوقات فراغت از پدیده نوین پاساژگردی و پرسه زدن در مراکز خرید، ضروری است ابتدا جوانان درک درستی از نیازهای اجتماعی خود داشته باشند، به بیان این خواسته‌ها در چارچوب فرهنگ اجتماع بپردازند و سپس متولیان رسیدگی به امور جوانان با برنامه‌ریزی دقیق، صحیح و مبتنی بر نیازهای واقعی جوانان، مدیریت اوقات فراغت آنان را بر عهده گیرند و به بازبانی الگوهای فرهنگی در این زمینه بپردازند تا نه وقت هدر رود، نه پرسه زدن تفریح تلقی شود و نه شاخص توسعه یافتگی براساس چگونگی گذران اوقات فراغت زیر سوال رود.

اکرم دست افشان – جامعه‌شناس